بررسی سطوح انگیزشی و دلایل موفقیت و شکست بانوان ورزشکار نخبه و زیرنخبهٔ ورزش‌های انفرادی

امیر عباسقلی‌پور*، داریوش خواجوی**

* دانشجوی دکتری رفتار حرکتی گرایش یادگیری حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

** دانشیار گروه رفتار حرکتی و روانشناسی ورزشی، دانشگاه اراک، دانشکده علوم ورزشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۹/۱۶

چکیده

هنگامی که ورزشکار موفقیت یا شکست را تجربه می‌کند، به طور طبیعی به آن موفقیت یا شکست می‌اندیشد و در واقع مسئول آن وضعیت را جست‌وجو می‌کند. هدف این پژوهش بررسی سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران زن نخبه و زیرنخبه ورزش‌های انفرادی است. جامعهٔ آماری تحقیق، ورزشکاران زن رشته‌های شنا، بدمینتون، کاراته، تکواندو، تنیس روی میز و تیراندازی است که از بین آنها ۱۲۰ نمونه به‌طور در دسترس و به روش مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از دو پرسش‌نامهٔ سبک‌های اسنادی و انگیزهٔ ورزشی، جمع‌آوری و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و همبستگی پیرسون در سطح معنی‌داری 0.05 تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که اسنادهای ورزشکاران نخبه و زیرنخبه به‌طور معنی‌داری متفاوت است ($P\leq0.05$). همچنین، بین سطح بی‌انگیزشی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P\geq0.05$). نتایج نشان داد که بین سبک اسناد و انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه رابطه‌ای وجود ندارد ($P\geq0.05$). می‌توان نتیجه گرفت که سبک اسناد و سطوح انگیزش (به‌جز بی‌انگیزشی) در ورزشکاران نخبه و زیرنخبه، تفاوت معنی‌داری دارد و بین سبک اسناد و سطوح انگیزش این دو گروه در ورزش‌های انفرادی، رابطهٔ معنی‌داری یافت نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: موفقیت، شکست، انگیزش، ورزشکاران، بانوان.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

مقدمه

با توسعهٔ دانش روانی ورزشکاران و مربیان می‌توان در راه پربارترکردن ورزش در همهٔ ابعاد قدم‌های مؤثری برداشت. تأثیر هیجان‌ها و انگیزش بر عملکرد ورزشی از طریق پژوهش‌ها محققان، مربیان و مدیران ورزشی، و ورزشکاران، قبل از مسابقه، در حین بازی و بعد از مسابقه، تأیید شده است و اکثر ورزشکاران عملکرد موفقیت‌آمیز یا عملکرد منجر به شکست خود را به عوامل هیجانی و انگیزشی نسبت می‌دهند (۱). از جمله عوامل مهمی که بی‌تردید می‌توان آن را مهم‌ترین عامل درونی موفقیت ورزشکار دانست، انگیزه[1] و انگیزش[2] است (۲). موفقیت ورزشی در ورزش‌های فردی برعکس ورزش‌های گروهی به توانمندی‌ها و ویژگی‌های فردی ورزشکار مربوط است. خصیصه خودپیروی در ورزش‌های فردی به ورزشکار کمک می‌کند تا با تمرکز بر خصوصیات فردی، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مهار متغیرهای محیطی و آزادی عمل، احتمال موفقیت ورزشی را افزایش دهد(۳و۴). خودپیروی با فعال‌سازی و تقویت انگیزهٔ پیشرفت، توانمندی‌های شخصی ورزشکار را برای موفقیت بیشتر، متمرکز و هدایت می‌کند و احتمال موفقیت ورزشی را در ورزش‌های فردی افزایش می‌دهد(۵).

یکی از عوامل توجیه‌کنندهٔ پیشرفت‌های ورزشکاران نخبه[3] در مهارت‌های ورزشی انگیزش است. به‌عبارت دیگر، در بین ورزشکاران افرادی یافت می‌شوند که علاقه و انگیزش بیشتری از خود نشان می‌دهند. این علاقه و انگیزه، پیشرفت ورزشی آنها را تا حدودی توجیه می‌کند. انگیزش را می‌توان به‌طور کلی، نیروی محرک فعالیت‌های انسانی و عامل جهت‌دهندهٔ آن تعریف کرد(۶). هنگامی که ما در انجام یک عمل موفق می‌شویم یا شکست می‌خوریم، به‌طور طبیعی به مبنای آن موفقیت یا شکست می‌اندیشیم. درواقع، مسئول آن وضعیت را جست‌وجو می‌کنیم و می‌خواهیم دلایل عملکردمان را بفهمیم و به عبارت دیگر می‌خواهیم اسنادهایی دربارهٔ کسی یا چیزی که مسئول چگونگی عمل ماست را ارائه دهیم. عوامل متعددی در انگیزش ورزشکاران مؤثر است که یکی از آنها اسناد است. در نظریه اسناد[4] توجیه‌های فرد در موارد موفقیت و شکست مطرح می‌شود. قدیمی‌ترین فرمول نظریهٔ اسناد را می‌توان در کارهای فریتس هایدر[5]، پدر اسناد، مشاهده کرد. نظریهٔ اسناد یکی از نظریه‌های پویای روان‌شناختی است که به تبیین و تشریح ادراک افراد از وقایع می‌پردازد. فرض اساسی این نظریه این است که افراد می‌خواهند بدانند چرا خودشان و دیگران پیامد خاصی را تجربه می‌کنند. ما می‌خواهیم علّت‌های نهفته در موفقیت‌ها و شکست‌ها، پیروزی‌ها و مصیبت‌ها، مقبولیت‌ها یا طردشدن‌های اجتماعی‌مان را بدانیم. اسناد به معنی نسبت‌دادن رفتار خود یا رفتار دیگری به علل مختلف است. به اعتقاد سالوین، نظریهٔ اسناد علل موفقیت‌ها و شکست‌های افراد را از دیدگاه خودشان ریشه‌یابی می‌کند (۷)؛ به‌عبارتی، منظور نظریهٔ یادشده این است که اسنادهای علّی[6] بر انتظار موفقیت مؤثر است (۸).

تبیین‌های شناختی انگیزش، که نظریهٔ اسناد نامیده می‌شود، با این فرض شروع می‌شود که ما در تلاش خود برای درک موفقیت‌ها و شکست‌هایمان می‌پرسیم چرا؟ نظریه‌های انگیزشی اسناد، به‌دنبال توصیف چگونگی تبیین‌های و توجیه‌های فرد و تأثیر آنها بر انگیزش است.

دسی و ریان[7] (۲۰۰۰) و پودلوگ و اکلوند[8] (۲۰۰۶) دربارهٔ انگیزش بیان کرده‌اند که بالاترین سطح خودمختاری نمایانگر بالاترین میزان انگیزش درونی است و کمترین سطح خودمختاری بی‌انگیزشی را نشان می‌دهد.

محققان دریافته‌اند که زنان اسنادهای موفقیت‌آمیز خود را بیشتر دلایل بیرونی ذکر می‌کنند و در مقابل اسنادهای شکست خود را بیشتر، درونی و ذاتی می‌دانند(۱۲). در این باره، گرایشی در زنان وجود دارد به اینکه بیشتر اسنادهای بیرونی و به‌ویژه بخت و اقبال را به کار گیرند و اینکه زنان در مقایسه با مردان، به‌طورکلی، توجه کمتری به توانایی‌های خود نشان می‌دهند و این گرایش خصوصاً در موقعیت‌هایی که موفقیت به همراه دارد بیشتر دیده می‌شود(۹). در مطالعهٔ نیکولز مشخص شد که دختران تمایل داشتند شکست را به توانایی پایین نسبت دهند، درحالی‌که چنین تمایلی در آنان به‌منظور اسناد موفقیت‌هایشان به توانایی بالا وجود نداشت (۱۳).

1. Motive
2. Motivation
3. Elite
4. Attribution theory
5. Heider
6. Casual Attribution
7. Ryan, Deci
8. Podlog, Eklund

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) گزارش کرد که مردها بیشتر از زنان در معرض بازخوردهای منفی قرار می‌گیرند، ولی گرایش آنها این است که بازخوردها را به عواملی غیر از توانایی، مانند نگرش مربی یا کم‌بودن تلاش خودشان نسبت دهند. اما در زنان، برعکس، بازخورد شکست بر توانایی متمرکز است. در نتیجه، دختران خیلی بیشتر از پسران تمایل دارند موفقیت‌های خود را به عوامل بیرونی نسبت دهند، درعین‌حال خودشان را برای شکست‌ها مقصر می‌دانند. همچنین، در برخی مواقع، مقاومت دختران پس از شکست کاهش می‌یابد. هنگامی که به شکست تهدید می‌شوند، عملکردشان مختل می‌شود، و در مقایسه با پسران، انتظارات منفی‌تری از خود دارند (۱۰).

همچنین محمدزاده (۱۳۸۴) در پژوهشی سبک‌های اسنادی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار را در رویارویی با موفقیت و شکست هنگام اجرای تکلیف شناختی بررسی کرد. بر اساس آن، افراد ورزشکار در رویارویی با شکست در زمینهٔ غیرورزشی نیز دارای اسنادهای درونی و ناپایدارتری بودند و احتمال موفقیت در آینده را غیرممکن نمی‌دانستند. بیشترین دلایل گروه ورزشکار غیرموفق، به عامل‌های درونی و ناپایدار، از جمله تلاش، مربوط می‌شد. گروه غیرورزشکار ناموفق، علت عملکرد خود را به عامل‌های بیرونی و پایدار نسبت دادند و نهایتاً نتایج نشان داد که شرکت در فعالیت‌های ورزشی سبب خوش‌بینی به وقایع و امور غیرورزشی می‌شود و اسنادهای فرد در قبال موفقیت و شکست در امور اجرایی، برای بهبود عملکرد در آینده است. در پژوهشی دیگر درباب سبک اسناد، سیدعلی کیمیایی (۲۰۰۹) به بررسی رابطهٔ بین راهبردهای یادگیری و سبک‌های اسناد در بین دانش‌آموزان پرداخته است. او گزارشی کرد که دخترانِ دانش‌آموز از راهبردهای یادگیری بیشتر استفاده می‌کنند. احتمال می‌رود که انتساب‌های درونی و راهبردهای فراشناخت در افزایش موفقیت و خودکارآمدی تحصیلی، یادگیری عمیق‌تر و عزت نفس دانش‌آموزان مؤثر باشد.

نیز پیترسون و سلیگمن[1] (۱۹۸۴) دریافتند که افراد پیوسته علت‌های مشخصی را برای رویدادهای خوب و بد، که گاهی این اسنادها ناسازگارانه است، برمی‌گزینند. همچنین، سلیگمن (۱۹۹۰) بار دیگر اعلام کرد که باورهای افراد خوش‌بین و بدبین در خصوص رویدادهای زندگی‌شان یکسان نیست. خوش‌بین‌ها معتقدند که شکست موقتی است و آنها در آن مقصر نیستند، درحالی‌که بدبین‌ها معتقدند که رویدادهای بد پایدارند و زندگی آنها را مختل کنند. به‌طور کلی، او دریافت که باور انسان‌ها حتی از یک رویداد واحد از یکدیگر متمایز است.

ترزمر در راستای پروژه‌های تحقیقی خود، در نقدی با ۱۰۰ مطالعه، شواهد ناکافی برای حمایت از تفاوت‌های جنسی در ترس از موفقیت به‌دست آورد. اما، ریز و جلزما (1978) متوجه شدند که ترس از موفقیت در بین زنان مفهومی معتبر باقی می‌ماند تا الگوی پذیرش تقصیر (نبود توانایی) و انکار اعتبار موفقیت (بخت، تکلیف آسان) را تبیین کند. با وجود شواهد نامطمئن برای ترس از موفقیت در بین زنان، به‌طور کلی، با اطمینان بیشتری می‌توان گفت که ترس از موفقیت در بین زنان ورزشکار ماهر خیلی کمتر است. برای نمونه، دو پژوهشگر هیچ شاهدی از ترس از موفقیت در بین زنان ورزشکار به‌دست نیاوردند و نگرش‌های پیشرفت زنان ورزشکار شبیه به نگرش‌های پیشرفت مردان ورزشکار بود.

پژوهشگران تفاوت‌های جنسی در مرکز کنترل نتایج را یافته‌اند. زنان بیرونی در مقایسه با زنان درونی در پاسخ به بازخورد منفی بیشتر ناراحت می‌شوند و بیشتر درباره نتایج عملکرد نگران هستند. زنان به‌طورکلی، دست‌کم در بین غیرورزشکاران، نسبت به مردان ارزیابی کمتری از توانایی شخصی خود دارند، انتظارهای پایینی برای موفقیت دارند، اسنادهای بیرونی بیشتری به سمت سختی تکلیف و بخت می‌کنند تا اسنادهای درونی توانایی و تلاش، و پس از به‌دست‌آوردن نتیجهٔ مثبت کمتر احساس مسئولیت و رضایت می‌کنند، اما در مورد آخر، کمتر از مردان نیز پس از به‌دست‌آوردن نتیجهٔ منفی احساس مسئولیت و نارضایتی می‌کنند (۱۰). عباسقلی‌پور(۱۳۹۱) به بررسی سبک‌های اسنادی و نقش انگیزش در بین ورزشکاران نخبهٔ تیم‌های ملی ایران پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که مردان نخبه دارای اسنادهایی درونی‌تر و پایدارتر در بعد موفقیت و در بعد شکست دارای اسنادهای بیرونی و ناپایدار نسبت به همتایان زیرنخبهٔ خود بودند.

1. Peterson & Seligman

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

بلاکر و هرشبرگر[1] (۱۹۸۳) از دیگر محققانی بودند که درباب اسناد بین مردان و زنان به نتایجی دست یافتند، و گزارش کردند که اگرچه تفاوت‌های اسناد علّی بین مرد و زن به‌طور کلی وجود دارد، پژوهش‌های منتشرشدهٔ بسیار اندکی اسناد علّی مردان و زنان ورزشکار و غیرورزشکار را مقایسه کرده‌اند.

نظریهٔ اسناد علل و موفقیت‌ها و شکست‌های افراد را از دیدگاه خودشان ریشه‌یابی می‌کند (۱۴)؛ به‌عبارتی، منظور نظریهٔ یادشده این است که اسنادهای علّی بر انتظار موفقیت مؤثر است(۷). بنابراین، هنگامی که ما در انجام یک عمل موفق می‌شویم یا شکست می‌خوریم، به‌طور طبیعی به مبنای آن موفقیت یا شکست می‌اندیشیم، درواقع مسئول آن وضعیت را جست‌وجو می‌کنیم و می‌خواهیم دلایل عملکردمان را بفهمیم.

مقالهٔ حاضر جزء اولین پژوهش‌هایی است که به‌طور مستقیم و گسترده به اسنادهای علّی بانوان ورزشکار نخبه می‌پردازد؛ از ضرورت‌های انجام این پژوهش در بین بانوان می‌توان به این موارد اشاره کرد: کم‌بودن پژوهش‌های انجام‌شده در حیطهٔ اسناد و ورزش، توجه به اجرای ورزشی مطلوب و آماده‌سازی‌های شناختی و انگیزشی ورزشکاران زن. همچنین، ورزشکاران نخبه موقعیت حساسی در کسب پیروزی و شکست دارند و تأثیر عوامل انگیزشی در اجرای مهارت‌های ورزشی و دلایل اسنادی آنها در دست‌یابی به موفقیت و شکست مهم است؛ چراکه کوچک‌ترین بی‌توجهی به این مهم آنها را از دست‌یابی به بهترین عنوان و مقام محروم خواهد کرد. حال، با توجه به نتایج تحقیقات اندک درباب اسنادهای زنان در جهان و همچنین تحقیقات معدود انجام‌گرفته در ایران، که به‌طور مستقیم هیچ گزارشی از اسنادهای بانوان نمی‌توان در میان آنها یافت، به‌خصوص در حیطهٔ ورزش و فعالیت بدنی و در میان ورزشکاران، بر آن شدیم تا به بررسی اسنادهای ورزشکاران نخبه و زیرنخبهٔ ورزش‌های انفرادی در بین ورزشکاران تیم‌های ملّی ایران بپردازیم و به این پرسش‌ها جواب دهیم که آیا بین اسنادهای ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوت وجود دارد؟ بین انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه چه تفاوتی وجود دارد؟ و درنهایت، اینکه آیا بین اسناد و انگیزش رابطه‌ای وجود دارد و به‌عبارتی دیگر، سطوح انگیزشی مختلف چه تأثیری در اسنادهای ورزشکاران زن نخبه و زیرنخبه دارد؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، تحقیقی توصیفی از نوع علّی- مقایسه‌ای است که با استفاده از روش همبستگی اجرا شد. جامعهٔ تحقیق را کلیهٔ ملّی‌پوشان و غیرملّی‌پوشان (ورزشکاران تیم‌های باشگاهی) در رشته‌های انفرادی تیراندازی، شنا، تکواندو، کاراته، بدمینتون، و تنیس روی میز تشکیل دادند. نمونه‌های تحقیق به طور در دسترس و به روش مرحله‌ای انتخاب شدند. در مرحلهٔ اول شش رشته از میان رشته‌های انفرادی انتخاب شد و سپس از میان این رشته‌ها ده نفر در هر رشته و در مجموع در هر رشته بیست نفر انتخاب شدند که از این تعداد، ده نفر بازیکن نخبه[2] و ده نفر بازیکن زیرنخبه[3] به‌عنوان نمونه‌های تحقیق انتخاب شدند. از بین جامعهٔ تحقیق، ۵۴ نفر نمونه در هر گروه و مجموعاً ۱۰۸ نفر نیاز بود که براساس مقالات و تحقیقات مشابه (۹و۱۰و۱۵) پژوهشگران به منظور برآورد ریزش و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران به‌استناد تحقیقات دو گروهی ۱۲۰ نفر را با اطمینان ۹۵ درصد به‌صورت مرحله‌ای انتخاب کردند.

ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامهٔ اصلاح‌شدهٔ سبک اسنادی[4] (ASQ) پترسون و همکاران (۱۹۸۴) است. این پرسش‌نامه یکی از پرسش‌نامه‌های خود- گزارشی است که دوازده موقعیت فرضی، شامل شش رویداد با پیامد خوب (موفقیت) و شش رویداد با پیامد بد (شکست) دارد (۹). روایی این پرسش‌نامه را در ایران اسلامی شهر بابکی تأیید کرده و پایایی آن برای ابعاد مختلف بین

1. Blucker and Hershberger

۲. به بازیکنی اطلاق می‌شود که عضو تیم ملی بوده و سابقه حضور در مسابقات بین‌المللی را دارد.

۳. به بازیکنانی اطلاق می شود که سابقه عضویّت در تیم ملّی را نداشته و تنها در تیم باشگاهی به فعّالیّت می پردازند.

4. Attribution Style Questionnaire

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

۰/۵۸ تا ۰/۷۹ به‌دست آمده است (۱۰). در ادامه، برای سنجش انگیزش از ابزار اندازه‌گیری معتبر انگیزش ورزشی[1] (SMS) پل لیتیر و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شده‌است.

این پرسش‌نامه در ایران مکاری ساعی (۱۳۸۶)، رسول عربی (۱۳۸۹) و مسعود نادریان (۱۳۸۸) استفاده (۲و۱۶و۱۷). مکاری ساعی (۱۳۸۶) روایی آن‌را به‌دست و ثبات درونی آن نیز با آلفای کرونباخ ارزیابی‌شده و هم‌سانی درونی ۰/۸ گزارش شده‌است. این پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری سه بعد انگیزه، حاوی ۲۸ سؤال با مقیاس پنج رتبه‌ای لیکرت از سه قسمت تشکیل شده است که عبارت‌اند از: انگیزۀ درونی (۱۲سؤال)، انگیزۀ بیرونی (۱۲سؤال)، و بی‌انگیزشی (۴ سؤال). این پرسش‌نامه در دامنۀ وسیعی از مطالعات ورزشی مورد مطالعه قرارگرفته‌است (۹).

همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات، با فدراسیون‌های ورزشی هماهنگی به عمل آمد و مجوز برای انجام کار پژوهشی دربارۀ ورزشکاران تیم‌های ملّی و باشگاهی رشته‌های مورد نظر اخذ شد. یک آزمونگر خانم در جلسه‌های تمرین تیم‌ها و با هماهنگی مربیان آنها مبنی بر اختصاص زمان مناسب برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها حضور یافت. ابتدا توجیهی شفاهی دربارۀ پرسش‌نامه و نحوۀ تکمیل آن به‌صورت گروهی برای ورزشکاران در محل تمرین داده می‌شد و سپس با توزیع پرسش‌نامه، آزمودنی‌ها با علاقه و دقت، ظرف مدت حداکثر ده دقیقه به سؤالات پاسخ می‌دادند.

روش‌های آماری

در این پژوهش برای تشریح اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی بهره گرفته شد و در بخش آمار استنباطی، از آزمون کلموگروف–اسمیرنوف برای کسب اطمینان از طبیعی‌بودن توزیع داده‌ها و از آزمون لِون برای اطمینان از همگن‌بودن واریانس‌ها استفاده شد. برای مقایسۀ سبک‌های اسنادی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه و نیز سطح انگیزۀ ورزشکاران از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) و برای تعیین رابطۀ بین سبک اسناد و سطوح انگیزه از همبستگی پیرسون استفاده شد. کلیۀ محاسبات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخۀ ۱۶ انجام شد. تمام نتایج به دست‌آمده در سطح معنی‌داری ($p\leq 0/05$) صورت پذیرفت.

یافته‌ها

قبل از انجام آزمون‌های آماری به بررسی نتایج آزمون کلموگروف –اسمیرنوف پرداختیم. (جدول)

جدول۱. نتایج آزمون کلموگروف –اسمیرنوف سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران

متغیر	ورزشکاران	
	K-S Z	Sig
سبک اسناد	۰/۸۳۷	۰/۴۸۱
انگیزش	۰/۷۹۶	۰/۵۵۱

*توزیع نرمال است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید، میانگین و خطای انحراف استاندارد سبک اسنادی و انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه در جدول آمده است.

1. Sport Motivation Scale

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

جدول۲. میانگین و خطای انحراف از میانگین سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران

	زیر مقیاس	ورزشکار نخبه			ورزشکار زیرنخبه		
		میانگین	S.E.M	تعداد	میانگین	S.E.M	تعداد
سبک‌های اسنادی	موفقیت درونی- بیرونی	۲/۴۶	±۰/۰۸	۶۰	۲/۶۰	±۰/۰۷	۶۰
	موفقیت پایدار- ناپایدار	۱/۹۷	±۰/۰۶	۶۰	۲/۱۴	±۰/۰۷	۶۰
	موفقیت کلی- اختصاصی	۱/۹۸	±۰/۰۷	۶۰	۲/۰۶	±۰/۰۶	۶۰
	شکست درونی- بیرونی	۲/۶۱	±۰/۰۶	۶۰	۲/۶۹	±۰/۰۶	۶۰
	شکست پایدار- ناپایدار	۲/۴۸	±۰/۰۶	۶۰	۲/۶۳	±۰/۰۷	۶۰
	شکست کلی- اختصاصی	۲/۴۰	±۰/۰۷	۶۰	۲/۷۱	±۰/۰۷	۶۰
انگیزش	انگیزهٔ درونی	۲۹/۸۰	±۰/۶۳	۶۰	۲۷/۳۳	±۰/۶۱	۶۰
	انگیزهٔ بیرونی	۴۱/۸۴	±۰/۵۷	۶۰	۳۷/۸۴	±۰/۵۵	۶۰
	بی‌انگیزگی	۱۳/۴۸	±۰/۴۲	۶۰	۱۳/۸۲	±۰/۴۳	۶۰

در ادامه، برای بررسی تفاوت کلی بین سبک‌های اسناد و همچنین انگیزش بازیکنان نخبه و زیرنخبه از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است:

جدول۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیرهٔ سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران

متغیّر	اثـــر / تفاوت	Value	مقدار F	خطای درجهٔ آزادی	Sig
سبک‌های اسناد	ورزشکاران	۰/۱۴۵	۲/۷۳۳	۱۱۳	۰/۰۱۶*
انگیزش	Hoteling's Trace	۰/۲۱۵	۸/۳۱۸	۱۱۶	۰/۰۰۰*

علامت* نشان‌دهنده معنی‌داری است.

سطح معنی‌داری $P\leq 0/05$ در نظر گرفته شده است.

با توجه به نتیجهٔ آزمون تحلیل واریانس چندمتغیرهٔ سبک اسناد، می‌توان گفت بین سبک‌های اسنادی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0.01$). همچنین، با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیرهٔ انگیزش، مبنی بر بررسی سطح انگیزهٔ ورزشکاران، می‌توان گفت بین سطح انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P\leq 0.05$). نتیجه اینکه با توجه به آزمون پیش‌گفته، مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین سطح انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه، می‌توان گفت سطح انگیزش ورزشکاران نخبه با ورزشکاران زیرنخبه متفاوت است ($P\leq 0.05$).

جدول ۴ به تفاوت زیرمقیاس‌های سبک‌های اسنادی و انگیزش در بین ورزشکاران نخبه و زیرنخبه مربوط است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

جدول۴. نتایج F های تک‌متغیرهٔ سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران

متغیر	زیرمقیاس	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	Sig
سبک‌های اسنادی	موفقیت درونی- بیرونی	۰/۵۸۸	۱	۰/۵۸۸	۱/۵۷۱	۰/۲۱۳
	موفقیت پایدار- ناپایدار	۰/۹۶۵	۱	۰/۹۶۵	۳/۲۸۰	۰/۰۷۳
	موفقیت کلی- اختصاصی	۰/۲۰۳	۱	۰/۲۰۳	۰/۶۴۴	۰/۴۲۴
	شکست درونی- بیرونی	۰/۱۷۸	۱	۰/۱۷۸	۰/۶۶۹	۰/۴۱۵
	شکست پایدار- ناپایدار	۰/۶۷۰	۱	۰/۶۷۰	۲/۳۹	۰/۱۳۰
	شکست کلی- اختصاصی	۳/۰۳۲	۱	۳/۰۳۲	۹/۷۷۸	۰/۰۰۲*
انگیزش	انگیزهٔ درونی	۱۸۲/۷۶۲	۱	۱۸۲/۷۶۲	۱۷/۷۹۸	۰/۰۱۱*
	انگیزهٔ بیرونی	۴۷۸/۲۱۴	۱	۴۷۸/۲۱۴	۶/۷۰۷	۰/۰۰۰*
	بی انگیزشی	۳/۶۰۳	۱	۳/۶۰۳	۰/۵۲۰	۰/۴۷۲

علامت* نشان‌دهنده معنی‌داری است.

سطح معنی‌داری $P\leq0.05$ در نظر گرفته شده است.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین ورزشکاران نخبه و زیرنخبه در ابعاد اسنادی موفقیت درونی- بیرونی، موفقیت پایدار- ناپایدار، موفقیت کلی- اختصاصی، شکست درونی- بیرونی و شکست پایدار- ناپایدار تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P\geq0.05$). و فقط در بعد شکست کلی- اختصاصی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P\leq0.05$). همچنین، انگیزش در بین ورزشکاران نخبه و زیرنخبه – به‌جز مقیاس بی‌انگیزشی- تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P\leq0.05$). با توجه به میانگین نمرهٔ ورزشکاران می‌توان گفت که ورزشکاران نخبه سطح انگیزهٔ درونی و بیرونی بیشتری نسبت به ورزشکاران زیرنخبه است و دربارهٔ سطح بی‌انگیزگی میانگین نمره‌های ورزشکاران نخبه و ورزشکاران زیرنخبه تقریباً برابر و نزدیک به هم است که با توجه به نتایج جدول ۴، که تفاوت معنی‌داری را بین سطح بی‌انگیزگی نشان نمی‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که ورزشکاران زیرنخبه نسبت به ورزشکاران نخبه انگیز، درونی و بیرونی بیشتری دارند، ولی سطح بی‌انگیزشی آنها تقریباً برابر است.

در ادامه، برای درک بهتر ارتباط بین اسنادهای علّی اصلی و سطوح انگیزش ورزشکاران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کرده‌ایم تا در صورت وجود رابطه، نتایج دقیق‌تری به‌دست می‌آوریم که جدول ۵ گویای ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق است:

جدول۵. همبستگی بین سطوح انگیزش و اسنادهای علّی اصلی ورزشکاران نخبه

متغیر	ورزشکاران نخبه			ورزشکاران زیر نخبه		
	انگیزهٔ درونی	انگیزهٔ بیرونی	بی‌انگیزگی	انگیزهٔ درونی	انگیزهٔ بیرونی	بی‌انگیزگی
موفقیت	۰/۱۶ (sig=۰/۲۰۳)	-۰/۰۵ sig=۰/۶۵۷)	-۰/۰۱ (sig=۰/۹۳۶)	-۰/۰۸ (sig=۰/۵۳۷)	-۰/۰۸ (sig=۰/۵۱۲)	۰/۰۶ (sig=۰/۶۲۷)
شکست	-۰/۰۳ (sig=۰/۷۹۴)	-۰/۱۰ (sig=۰/۴۰۶)	۰/۱۲ (sig=۰/۳۵۰)	۰/۰۰۳ (sig=۰/۹۸۰)	۰/۱۸ (sig=۰/۱۴۷)	-۰/۱۳ (sig=۰/۳۱۰)

علامت* نشان‌دهندهٔ همبستگی است.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵ می‌توان گفت سطح انگیزهٔ بالا، با اسنادهای موفقیت‌آمیز و شکست رابطه‌ای ندارد، پس بین سبک‌های اسنادی ورزشکاران نخبه و سطح انگیزش ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، که با هدف بررسی سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران زن نخبه و زیرنخبهٔ ورزش‌های انفرادی انجام شد، به‌طورکلی، نتایج تحقیق نشان داد که بین اسنادهای علّی ورزشکاران در سطوح مختلف رقابتی (نخبه و زیرنخبه) و همچنین میزان انگیزش آنها (در ابعاد درونی و بیرونی) تفاوت وجود دارد. همچنین، براساس یافته‌های این تحقیق، بین سبک‌های اسنادی اصلی و سطوح انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه، رابطهٔ معنی‌داری مشاهده نشد.

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، بین اسنادهای علّی ورزشکاران در سطوح مختلف رقابتی (نخبه و زیرنخبه) تفاوت وجود دارد. بحث کلی دربارهٔ سبک اسناد بانوان اینکه در این جامعه، گرایش بیشتری به اسنادهای بیرونی و به‌ویژه بخت و اقبال وجود دارد. کُکس (۱۹۹۸) اظهار می‌کند که زنان درواقع عملکرد موفقیت‌آمیز خود را به خوش‌شانسی و حمایت اجتماعی و شکست را به ناتوانی خود اسناد می‌دهند. بخت و حمایت اجتماعی اسنادهای بیرونی هستند که توسط نیروهای بیرونی کنترل می‌شوند. کُکس بر این اساس نتیجه می‌گیرد که اسناد موفقیت به خوش‌شانسی بر این دلالت دارد که زن ورزشکار تنها تا زمانی که بخت خوبی داشته باشد انتظار موفق‌شدن دارد (۱۴). حمایت اجتماعی نیز عاملی بیرونی است که توسط دیگران کنترل می‌شود. نتایج تحقیق هندی و بویر (۱۹۹۳) که دربارهٔ ورزشکاران سه‌گانه انجام شد نشان داد که زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری را به عواملی قابل کنترل مثل حالت روان‌شناختی، رژیم غذایی و وزن بدن، به‌منزلهٔ دلایل موفقیت یا شکست اسناد دادند (۱۸)T درحالی‌که تأثیر این متغیرها در تحقیق حاضر بررسی نشد و فقط به دلایل اصلی اسناد در دو موقعیت شکست و موفقیت پرداخته شد که در حالت کلی زنان اسنادهایی درونی در بعد شکست و اسنادهایی بیرونی در بعد موفقیت بیان کردند.

به‌علاوه، زنان در مقایسه با مردان به‌طورکلی به توانایی‌های خود توجه کمتری نشان می‌دهند و این گرایش به‌ویژه در موقعیت‌هایی بیشتر دیده می‌شود که موفقیت را به همراه دارد (۹و۱۲). بنابراین، ترکیب نتیجهٔ تحقیق حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قبلی تأیید می‌کند که زنان در موقعیت‌های موفقیت‌آمیز، اسناد بیرونی از خود ارائه داده‌اند تا اسناد درونی. محققان نشان داده‌اند زمانی که افراد در تکالیف مهمی شکست می‌خورند، برای ناکامی خود اسنادهای درونی می‌سازند و در نتیجه عزت‌نفس آنها شدیداً کاهش می‌یابد و انفعال ظاهر می‌شود (۱۵). شاید دلیل احتمالی درونی‌بودن اسنادهای بانوان در این تحقیق نیز عزت نفس پایین نمونه‌های تحقیق باشد. ما این متغیر را اندازه‌گیری نکرده‌ایم و اطلاعاتی در این باره مورد آزمودنی‌ها نداریم، ولی در این مورد، پژوهشگران نشان داده‌اند که شکستی که با توجه به علت‌های درونی تبیین می‌شود موجب احساس گناه و عزت‌نفس پایین خواهد شد و شکستی که به علت‌های بیرونی تبیین می‌شود به خشم یا شگفتی منتهی می‌شود (۲۰). اما فرسیت و مک‌میلان (۱۹۹۰) گزارش کردند که عموماً افراد پس از شکست بر اهمیت علّت‌های بیرونی تأکید دارند. این با نتایج پژوهش حاضر نیست؛ چراکه ورزشکاران پس از شکست علّت را درونی بیان کرده‌اند که با پژوهش خداوردی (۱۳۸۳) کاملاً ناهم‌خوان است که نشان داد در بعد شکست، ورزشکاران و غیرورزشکاران بیشتر به نقش عوامل بیرونی، بی‌ثبات و اختصاصی معتقدند. آزمودنی‌های تحقیق خداوردی (۱۳۸۳) صرفاً ورزشکاران دانشجو بودند که ممکن بود در رشته‌های ورزشی تیمی یا انفرادی مشغول به فعالیت بوده باشند، درصورتی‌که آزمودنی‌های پژوهش حاضر، بانوان ورزشکار نخبه و زیرنخبه در رشته‌های ورزشی انفرادی بودند. همچنین، تجربهٔ ورزشکاران ملی بسیار بیشتر از دانشجویان است و ورزشکاران در صورت شکست با منطق بیشتر دلیل آن را به کم‌کاری خود و عوامل درونی نسبت می‌دهند؛ چراکه اگر بیشتر تلاش می‌کردند، بسا که موفقیت دور از دسترس نبوده است.

نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان انگیزش (در ابعاد درونی و بیرونی) ورزشکاران در سطوح مختلف رقابتی (نخبه و زیرنخبه) تفاوت وجود دارد، به این صورت که ورزشکاران نخبه با انگیزهٔ درونی و بیرونی بیشتر و بی‌انگیزگی کمتر شناسایی شده‌اند. که درباب انگیزش محققان بیان کردند که بالاترین سطح خودمختاری نمایانگر بالاترین میزان انگیزش درونی است و کمترین سطح خودمختاری بی‌انگیزشی را نشان می‌دهد(۲۱و۲۲). یافته‌ها حاکی از این است که انگیزهٔ درونی و بیرونی ورزشکاران نخبه از ورزشکاران زیرنخبه بیشتر بود، ولی دربارهٔ بی‌انگیزگی بین ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوتی مشاهده نشد. این نتایج با پژوهش عباسقلی‌پور و همکاران (۱۵) نیز هم‌سو است؛ چراکه نتایج عباسقلی‌پور نشان داد که ورزشکاران نخبه نسبت به ورزشکاران زیرنخبه، انگیزهٔ درونی و بیرونی بیشتری دارند. با توجه به تحقیقات قبلی در زمینهٔ انگیزش(۲۱) باید گفت ورزشکاران نخبه در

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

بالاترین سطح خود مختاری قرار دارند؛ چراکه نمرهٔ انگیزهٔ درونی آنها بالاست و بیشتر از ورزشکاران زیرنخبه است ولی این با پژوهش با یافته‌های ما هم‌خوانی ندارد؛ چراکه بانوان نخبه انگیزهٔ بیرونی بیشتری از خود نشان داده‌اند و از طرفی هم سطح بی‌انگیزگی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تقریباً یکسان بوده است. این با نتایج تحقیقات مشابه قبلی(۲۱) کاملاً در تضاد است که نشان داده‌اند سطوح بی‌انگیزگی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه با هم تفاوت دارد و ورزشکاران زیرنخبه بی‌انگیزه‌ترند. شاید علت احتمالی این تفاوت را این‌چنین بتوان بیان کرد که حضور در مسابقات ملی و بین‌المللی زیاد و تلاش برای ادامهٔ قهرمانی و... کمتر و با محدودیت امکان‌پذیر است.

از عواملی که انگیزش ورزشکاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد این است که ورزشکاران موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به چه عواملی اسناد می‌دهند(۹). اهمیت سبک‌های اسنادی به‌دلیل تأثیری است که بر انگیزش افراد به‌طور کلی و انگیزش پیشرفت در موارد خاص می‌گذارد. درواقع، مبین این مطلب است که تداوم یا عدم تداوم آن باعث پیشرفت یا رکود در ورزش خواهد شد(۹). اسنادها پیامدهای عاطفی و هیجانی دارند. چگونگی طبقه‌بندی اسنادها بر عملکرد ما برای انجام یک عمل در آینده نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال، در صورتی که فرد معتقد باشد می‌توان شکست را کنترل کرد، یا اینکه شکست نتیجه کم‌کاری و تلاش اندک او بوده‌است، آن‌گاه برانگیخته می‌شود که در آینده بهتر کار کند. اما، در صورتی فرد معتقد باشد نمی‌تواند علت شکست را کنترل کند، ممکن است حتی برای عملکرد بهتر نیز تلاش نکند و انگیزهٔ کمی داشته باشد(۲۳).

یافتهٔ دیگر این پژوهش نشان داد که بین اسنادهای علّی اصلی بانوان نخبه و زیرنخبه با سطوح انگیزشی آنها هیچ ارتباطی وجود ندارد. این یافته با نتایج عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) هم‌سو بود. یافته‌های عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) نشان داد که بین ورزشکاران زیرنخبه هیچ‌گونه ارتباطی بین اسناد و انگیزه یافت نمی‌شود (به‌جز همبستگی مثبت بین شکست و بی‌انگیزگی). براساس یافته‌های پژوهشی در این زمینه، رقابت‌جویی و انگیزشِ دستیابی به موفقیت از ویژگی‌های افراد موفق و نخبه است و در ورزشکاران بیش از غیرورزشکاران دیده می‌شود(۲۴) که می‌تواند دلیل احتمالی ناهم‌سویی با تحقیق حاضر باشد؛ چراکه هیچ رابطهٔ معنی‌داری بین انگیزش بیشتر و اسنادهای موفقیت بیشتر بین ورزشکاران به‌دست نیامد. منابع معتبر علمی در این زمینه ازجمله بااونامنو و موسینو(۱۹۹۵)، هولبروک و بار(۱۹۹۷) و همچنین مارتین و گیل(۱۹۹۵) دلایل ارتباط نداشتن اسنادهای علّی اصلی ورزشکاران با سطوح انگیزشی آنها را ناشی از صفات انگیزشی دانسته‌اند که حاصل عوامل متعددی از جمله روش مربی‌گری، وضعیت اجتماعی و اقتصادی ورزشکاران و خانواده‌هایشان، نیازهای روانی ورزش‌ها و انتخاب طبیعی افرادی است که به‌صورت ژنتیکی از ویژگی‌های لازم برخوردارند. مارتین و گیل (۱۹۹۵) گزارش کردند که بین رقابت‌جویی و انگیزش دست‌یابی به موفقیت دوندگان ماراتن کشورهای فیلیپین و امریکا و ورزشکاران دبیرستانی و دانشگاهی امریکا اختلاف زیادی وجود ندارد. نتایج آنها موافق با نتایج تحقیق حاضر مبنی بر فقدان رابطه بین اسناد موفقیت و شکست و سطح انگیزش ورزشکاران زیرنخبه است (۲۸). هرچند نتایج تحقیقات محققان نشان می‌دهد که انگیزش بیشتر به موفقیت کمک خواهد کرد درباب اسنادهای ورزشکاران این نتایج قابل استفاده نیست چون همان‌طور که نشان داده شد، سطح انگیزه رابطه‌ای با انتظارات و اسنادهای موفقیت فرد در آینده نخواهد داشت. به‌لحاظ نظری، عقاید و باورهای افراد دربارهٔ علل موفقیت‌ها و شکست‌ها با عنوان اسناد علّی شناخته می‌شود که این اسنادها حد واسط بین نگرش به یک عمل پیشرفت‌جویانه و عملکرد نهایی هستند. این اسنادها تعیین‌کنندهٔ انگیزه برای تلاش بیشتر در آینده‌اند(۲۳). این نتیجه نیز با نتایج پژوهش حاضر مغایرت دارد و نوع اسناد عامل تعیین‌کننده‌ای برای انگیزهٔ فرد نیست.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین اسنادهای علّی بانوان ورزشکار نخبه و زیرنخبه، این نتیجه با نتایج عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) نیز نتیجه گرفت که بین اسنادهای علّی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یگانه تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش عباسقلی‌پور (۱۳۹۱) در جنسیت آزمودنی‌ها بود؛ به‌عبارت دیگر، نتایج پژوهش حاضر کاملاً با نتایج عباسقلی‌پور همسو است.

به‌طور، خلاصهٔ نتایج برخاسته از تحقیق حاضر بر وجود تفاوت معنی‌دار بین اسنادهای علّی ورزشکاران نخبه و زیرنخبه و عدم همبستگی میان اسناد و انگیزش و تفاوت معنی‌دار بین سطوح انگیزش ورزشکاران نخبه و زیرنخبه است. پیشنهاد می‌شود که به بررسی دیگر عوامل روانی موجود در میان ورزشکاران پرداخته شود و رابطهٔ آنهاست با متغیرهای پژوهش حاضر بررسی شود مثل

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

(عزت نفس و اسناد؛ اعتماد به نفس و اسناد؛ شرایط استرس‌زا و اسناد و...) و همچنین به‌وجود تفاوت‌های این متغیرها در ورزشکاران و غیرورزشکاران در سطوح مختلف سنی پرداخته شود.

تقدیر وتشکر

بر خود واجب می‌دانیم از کلیهٔ عزیزان و سرورانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند (مسئولان فدراسیون‌های ورزشی -بخش خواهران- و کلیهٔ ورزشکاران تیم‌های ملّی و باشگاهی) تقدیر و تشکر کنیم و موفقیت روزافزون آنها را از خدای منان خواستاریم.

منابع

1. Hanin, Y.L. (2000).Emotions In Sport. Champaign, IL: Human Kinetics Martin, G.L., Vause, Schwartzman, L. (2005).Experimental Studies of Psychological Interventions with Athletes in Competitions Why Few? Behavior modification, 29,616-64.

۲. عربی آیسک، رسول. کشتی دار، محمد. افضل پور، محمد اسماعیل. خوشبختی، جعفر. رحیمی، محمد. (۱۳۸۹). آسیب دیدگی شدید ورزشی، انگیزش و تحلیل رفتگی:پیش بینی تحلیل رفتگی ورزشکاران زبده هندبال آسیب دیده با توجه به کارکرد تئوری انگیزش خودمختاری.حرکت،رشد و یادگیری حرکتی(۴)؛۴۴- ۲۵.

3. Beck, A.T. (1983)."Cognitive Therapy of Depression: New Perspectives". In Clayton, P.J. And Barrett, J.E. Eds.Treatment of Depression: Old Controversies and New Approaches. Raven Press: New York.187-195.
4. Beck, A.T., Epstein, N., Harrison, R.P. And Emery, G. (1983). "Development of the Sociotropy Autonomy Scale: A Measure of Personality Factors In psychopathology". Unpublished Manuscript, Center for Cognitive Therapy, University of Pennsylvania Medical School, Philadelphia.5, 154-167.

۵. بشارت، محمد علی(۱۳۸۰). مقایسه تهییج‌طلبی، جامعه‌گرایی و خودپیروی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار. مجله علوم روان‌شناختی، شماره ۱، صص ۶۲-۷۰.

۶. سرای‌زاده، کورش(۱۳۸۷).بررسی رابطه اضطراب و سبک‌های اسنادی با پیشرفت تحصیلی در کودکان ۹-۱۲ ساله شهر تهران. پایانامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.انتشارنیافته.صص۱۸-۳۸.

7. Slavin, R.E. (1986).Educational Psychology: Theory into Practice, John Hopkins University Press, New York.4, 149-210.
8. Weiner, B. (1985).An Attribution Theory of Achievement Motivation and Emotion. Psychological Review, No.92, 548-573.

۶. خداوردی، علی اصغر(۱۳۸۳). بررسی و مقایسه اسنادهای علّی در دانشجویان دختر و پسر ورزشکار و غیر ورزشکار پس از موفّقیّت و شکست. پایانامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. انتشار نیافته.صص۲۰-۶۰.

۷. عباسقلی‌پور، امیر(۱۳۹۱). بررسی سبک های اسنادی و نقش آن در انگیزش ورزشکاران نخبه و زیر نخبه ورزش‌های انفرادی (از دید ورزشکاران و مربیان). پایانامه کارشناسی ارشد دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.صص۲۳-۷۰.

۸. لیبونس، آرنولد.(۲۰۱۰). آشنایی با روانشناسی ورزشی. مترجمان: خبیری، محمد. پور منتی، محسن(۱۳۹۱). انتشارات حتمی.تهران.صص۳۰-۴۵.

۹. پاینه، گریگوری. ایساکس، لاری (۲۰۰۲). رشد حرکتی انسان در طول عمر. مترجمان: خلجی، حسن. خواجوی، داریوش(۱۳۸۴). انتشارات دانشگاه اراک.فصل ۳.صص۱۱۳-۱۱۴.

10. Bar-Tal, D. (2000).From Intractable Conflict through Conflict Resolution to Reconciliation: Psychological Analysis.Vol.21 (2), 351-365.
11. Cox RH. (1998). Sport Psychology: Concepts and Applications. 4th Edition. McGraw-Hill. United State of America.6, 385-415.

۱۲. عباسقلی‌پور، امیر. شهبازی، مهدی. باقرزاده، فضل اله (۱۳۹۱). بررسی سبک‌های اسنادی و انگیزش ورزشکاران نخبه و زیر نخبه ورزش‌های انفرادی. نشریه پژوهش در علوم ورزشی(رفتار حرکتی). پذیرش شده .

۱۳. مکاری ساعی، سیما.(۱۳۸۶). مطالعه ارتباط بین تحلیل رفتگی، عوامل انگیزشی و عملکرد تیمی بازیکنان حرفه ای والیبال، رویکرد انگیزش خود تصمیمی. پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه. انتشارنیافته.صص۲۷-۶۳.

۱۴. نادریان، مسعود. ذوالاکتاف، وحید .مشکل‌گشا، الهام .(۱۳۸۸). موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه. نشریه علوم حرکتی و ورزش. (۱۳). ۱۴۵-۱۵۶.

15. Hendy H. M., Boyer, B. J. (1993).Gender differences in attribution for triathlon performance. Sex Roles, 29, 527-542.
16. Rosenbaum, M. (1999). Learned Optimism, Knopf Pub. USA.32-96.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]

17. Forsyth, D.R., McMillan, J.H. (1990).The Attribution, Effect, And Expectations': A Test of Wieners Three Dimensional Model. Journal of Educational Psychology, 73,393-401.
18. Podlog, L., Eklund, R.C. (2006). "A Longitudinal Investigation of Competitive Athletes' Return to Sport Following Serious Injury". Journal of Applied Sport Psychology, 18, PP: 44-68.
19. Ryan, R.M, Deci, E.L. (2000). Intrinsic and Extrinsic Motivations: Classic Definitions and New Directions. Contemporary Educational Psychology. 25(1): 54-67.

۲۰. محمدزاده، حسن.(۱۳۸۴). بررسی سبک‌های اسنادی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار در موفقیت و شکست در تکالیف شناختی. نشریه المپیک. سال سیزدهم. (۱):۹۷-۱۰۶.

۲۱. شجاعی، معصومه. خبیری، محمد. حاجی قاسم، امیر.(۱۳۸۶). توصیف صفات انگیزشی بازیکنان نخبه فوتبال ایران. نشریه المپیک. سال پانزدهم. شماره۲(پیاپی۳۸).۲۹-۳۸.

21. Buonamno, A.C., Mussino, A. (1995) “Participation Motivation in Italian Youth Sport”. The Sport Psychologist, 9, 265-281.
22. Holbrook, J.E., Barr, J.K. (1997). Contemporary Coaching: Issues and Trends. Carmel, IN: Cooper.LLC.278-301.
23. Stewart, C., Meyers, M.C. (2004). “Motivational Traits of Elite Young Soccer Players”. Physical Educator, 61(4), 219-213.
24. Martin, J.J., Gill, D.L. (1995). “Competitive orientation, Self-Efficacy, and Goal Importance in Filipina Marathoners”. International Journal of Sport Psychology, 26, 348-358.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-04]